



رژه پکن نشان داد که توازن منطقه‌ای بطور بازگشت‌ناپذیری تغییر کرده است

بهت غرب از قدرت نظامی چین



AP/س

به نظر می‌رسد روایتی که کشورهای غربی درباره توسعه فناوریانه چین برای خود تعریف می‌کردند، ناقص و غلط از آب درآمده است. آنها باور داشتند که چین صرفاً تقلیدکننده فناوری‌های غربی بوده، مالکیت معنوی را نقض می‌کند و موفقیت‌هایش نتیجه یارانه‌های عمومی پرهزینه است. اگرچه این روایت همچنان بهراری از حقیقت دارد. اما بخش اعظم آن دیگر صادق نیست. امروزه چین در زمینه‌های روباتیک، خودروهای برقی، راکتورهای هسته‌ای، انرژی خورشیدی، پهپادها، راه‌آهن پرسرعت و هوش مصنوعی نوآور و پیش‌تاز است.

ارتش پیش‌تاز

بر اساس آنچه در رژه نظامی سوم سپتامبر پکن دیدیم، باید فناوری نظامی را نیز به این فهرست اضافه کنیم. دیگر نمی‌توانیم بگوییم ارتش آزادی‌بخش خلق چین عقب‌تر از دیگران بوده یا اینکه از تجهیزات نظامی خارجی کپی‌برداری می‌کند. چین اکنون نوآوری می‌کند و پیش‌تاز است. در این فرآیند، توازن نظامی منطقه‌ای که برای دهه‌ها به نفع ایالات متحده و شرکای آن بود، به طور بازگشت‌ناپذیری در حال تغییر است. رژه روز پیروزی که هشتادمین سالگرد «جنگ مقاومت مردم چین علیه تجاوز ژاپن و جنگ

اتلس نوین انرژی در بازی بزرگ «چرخش به شرق»

وقتی ولادیمیر پوتین و شی جین‌پینگ ۲ سپتامبر ۲۰۲۵ (۱۱ شهریور ۱۴۰۴) در پکن شانه‌به‌شانه ایستادند تا یک توافق بزرگ انرژی را اعلام کنند، پیام آشکار بود. در حاشیه نشست سازمان همکاری شانگهای، دو رهبر توافق الزام‌آوری را برای ساخت خط لوله قدرت سیبری ۲ رونمایی کردند؛ پروژه‌ای ۱۱ تا ۱۳ میلیارد یورویی که قرار است ۵۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در سال به‌مدت ۳۰ سال منتقل کند. این خط لوله که از مغولستان عبور کرده و به شمال چین می‌رسد، به لحاظ مقیاس هم‌تراز با «نورد استریم ۱» طراحی‌شده است؛ همان شریان اصلی صادرات گاز روسیه به اروپا در گذشته. برای کرملین، مراسم امضای نمایش حساب‌شده‌از ایستادگی بود؛ روسیه، هرچند زیر فشار تحریم‌ها و طرد از بازارهای غربی، هنوز می‌تواند شریان‌های انرژی خود را بازاریابی کند. پشت این نمایش پیروزمندانه، اما واقعیتی تلخ نهفته است. توافق قدرت سیبری ۲ نشانگر تشدید نامتقارنی در روابط مسکو با پکن است؛ برنده واقعی این معامله چین است، نه روسیه. بدین ترتیب چین چنگال خود را بر صادرات روسیه محکم‌تر می‌کند و مغولستان به‌عنوان دولت ترانزیتی تازه پدیدار می‌شود.

فرشید فرحتکایان دکترای حقوق حوزه نفت و گاز

پیش از جنگ اوکراین، اروپا سالانه حدود ۱۵۰ میلیارد مترمکعب گاز خط لوله‌ای از روسیه وارد می‌کرد که بخش عمده درآمدهای گازپروم را تشکیل می‌داد. اکنون این بازار تقریباً از میان رفته و جریان فعلی به کمتر از ۲۰ میلیارد مترمکعب در سال کاهش یافته است. فربه به پایه مالی روسیه شدید بوده؛ فروش هیدروکربن‌ها پیش‌تر نزدیک به نیمی از درآمد بودجه فدرال را تشکیل می‌داد.

در این شرایط، قدرت سیبری ۲ یک‌تخته نجات برای مسکو است. تنها چین، با اشتیاق بی‌پایان انرژی‌اش، می‌تواند جیمیی قابل‌مقایسه با مشتریان اروپایی سابق را جذب کند. این خط لوله همراه با توسعه‌های قدرت سیبری ۱ (از ۲۸ به ۴۴ میلیارد مترمکعب) و مسیر شرقی ۱۰ (از ۱۲ به ۱۱ میلیارد مترمکعب)، ستون فقرات راهبرد صادراتی جدید روسیه به شرق را می‌سازد.

جهانی ضد فاشیسم» را گرمای داشت، نمایشی از قدرت نظامی معاصر چین و نگاهی به آینده آن بود. در گذشته، چین نمایی به نمایش جدیدترین تجهیزات نظامی خود نداشت، اما در این رویداد، هرچند به‌صورت گزینشی، از آنها پرده برداشت.

جنگ‌افزارهایی در تراز جهانی

از جمله نکات برجسته، نمایش هواپیماهایی بود که در ناوگان رو به رشد ناوهای هواپیمابر چین مستقر خواهند شد؛ ناوگانی که در حال حاضر سه کشتی دارد، اما احتمالاً در سال‌های آینده حداقل یک ناو هواپیمابر هسته‌ای عظیم و توانمند، اضافه خواهد شد. چهار نوع جدید از پهپادهای «همراه وفادار» رونمایی شد؛ هواپیماهای بدون سرنشین مخفی که برای پرواز در کنار هواپیماهای سرنشین‌دار طراحی شده‌اند و توسط آنها هدایت می‌شوند. همچنین حداقل چهار سامانه موشکی زمینی ضدکشتی که پیش‌تر دیده نشده بودند، به همراه یک زیردریایی بدون سرنشین و ازدرهای جدید به نمایش درآمدند.

این رژه آخرین رونمایی در سالی پرهیجان برای ناظران تشکیلات نظامی-صنعتی چین بود. درست پس از کریسمس ۲۰۲۴، ویدیوها و تصاویر مبهمی در

بمب‌افکن میان‌قاره‌ای فاصله دارد و فاقد شبکه اتحاد جهانی مانند ایالات متحده است. هواپیماهای جنگی جدید، بارج‌های فرود، پهپادها و سامانه‌های موشکی که امسال ظاهر شده‌اند نیز نشان‌دهنده تمرکز بیش از حد بر نمایش قدرت جهانی نیستند. آنها عمدتاً جایگاه چین در منطقه خودش را تقویت می‌کنند. شتاب نظامی چین خصوصاً به ضرر تایوان تمام می‌شود، زیرا توازن قوا در آن منطقه بیش از پیش به نفع پکن تغییر خواهد کرد.

اخیراً مقاله‌ای در اینترنشنال سکيوریتی-معتبرترین نشریه دانشگاهی مطالعات استراتژیک- منتشر شد که با بررسی روندها به نتایج نگران‌کننده‌ای برای تایپه و آن دسته از آمریکایی‌ها رسید که معتقدند دفاع از تایوان معنئی حیاتی برای واشنگتن به شمار می‌رود. در مقاله‌ای با عنوان «دسترسی ممنوع؟ رقابت چین و آمریکا برای برتری نظامی در آسیا»، نیکلاس اندرسون و دریل پرس استدلال می‌کنند که در صورت حمله چین برای بازپس‌گیری تایوان، ستون فقرات قدرت نظامی ایالات متحده در آسیا که عبارتند از هواپیماهای جنگی مستقر در ژاپن و گوام، متحمل خسارات فاجعه‌بار خواهد شد. این مقاله مدلی برای خساراتی که طی ۳۰ روز جنگ توسط ذخایر بزرگ و رو به رشد موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد چین به پایگاه‌های هوایی ایالات متحده وارد می‌شود، ارائه می‌دهد. نتیجه‌گیری مقاله این بوده که حتی در خوش‌بینانه‌ترین سناریو، ایالات متحده ۴۵ درصد از نیروی خود را در ماه اول از دست خواهد

شبکه‌های اجتماعی از دو هواپیمای جنگی مخفی جدید در حال پروازهای آزمایشی منتشر شد. چند هفته بعد، نشریه نیوال نیوز گزارش داد که چین در حال ساخت نوع منحصربه‌فردی از بارج‌های مجهز به پل‌های جاده‌ای قابل گسترش است که می‌توانند به کشتی‌های حامل خودرو اجازه دهند بار خود را در سواحل بدون زیرساخت تخلیه کنند. تصاویر بعدی از آزمایش این بارج‌ها تایید کرد که آنها به شکلی ایده‌ل برای انتقال زره‌پوش‌های سنگین به ساحل در حمله احتمالی به تایوان مناسب هستند. سپس در اواخر ژانویه، فاینشال تایمز عکس‌های ماهواره‌ای منتشر کرد که نشان می‌داد چین در حال ساخت یک مرکز فرماندهی نظامی جدید در خارج از پکن بوده که حداقل ۱۰ برابر بزرگ‌تر از پنتاگون است. در ماه می، ۱۲۵ پرنده پاکستان و هند پر فراز کشمیر درگیر نبرد هوایی شدند. نیروی هوایی پاکستان از تجهیزات چینی استفاده کرد که بر اساس شواهد محدود، عملکرد قابل‌قبولی داشت.

هزموں شرق آسیا

اما باید این نکته را در نظر داشت که پس از ساخت اولین پایگاه خارجی چین در سال ۲۰۱۷، پکن هیچ پایگاه خارجی جدیدی بنا نکرده، سال‌ها با ساخت

داد. تأکید بر این نکته ضروری است که این مقاله تنها اثرات موشک‌های چینی شلیک‌شده از پایگاه‌های زمینی را بررسی می‌کند و اثر حملات دیگر از سوی نیروی هوایی و دریایی پکن را در نظر نمی‌گیرد. اندرسون و پرس پیشنهادهای مختلفی برای چگونگی اصلاح این عدم توازن رو به رشد توسط ایالات متحده ارائه می‌دهند، هرچند هیچ کدام امیدوارکننده به نظر نمی‌رسند. نهایتاً آنها اعلان می‌کنند که احتمالاً بازنگری اساسی‌تر در استراتژی ایالات متحده لازم باشد. واشنگتن باید ذهنیت خود مبنی بر تسلط نظامی در منطقه را تغییر دهد.

برای پیشی گرفتن از توان نظامی فزاینده چین در شرق آسیا، ایالات متحده می‌توانست حضور خود را به‌طور گسترده‌ای تقویت کند، اما اکنون احتمال کمی برای اتخاذ چنین رویکردی از جانب واشنگتن وجود دارد. حتی اگر واشنگتن بتواند بر انفعال خود فائق بیاید، کدام کشور آسیایی حاضر است که میزبان این همه نیرو باشد و کدام یک تضمین می‌دهد که خاکش در جنگی علیه چین به عنوان یک پایگاه از سوی آمریکایی‌ها استفاده شود؟ در نهایت، اگر آمریکا بر موانع غلبه کند، چین تقریباً قطعاً با افزایش هزینه‌های نظامی پاسخ خواهد داد. همان‌طور که رژه نظامی پکن به جهان یادآوری کرد، یک مسابقه تسلیحاتی اکنون به نفع نقاط قوت پکن خواهد بود، نه واشنگتن. یک تعادل جدید در حال شکل‌گیری است.

منبع: Foreign Policy

امپراطور دریاها

چین تمایل به داشتن تشکیلات نظامی-صنعتی کاملاً بومی را به روشنی بروز داده و رهبری چین علناً از انگیزه خود برای ساخت یک ارتش درجه یک جهانی تا اواسط قرن سخن گفته است. در زمینه فناوری نیز شواهد حاکی از جاه‌طلبی جدی است. چین نوسازی خود را از اوایل دهه ۱۹۹۰ کلید زد و از آن زمان، ارتش آزادی‌بخش خلق احتمالاً سریع‌ترین تحول فناوری را در میان نیروهای نظامی از زمان جنگ جهانی دوم تجربه کرده است. اما سؤال بزرگ‌ترین بوده که چین بااین همه قدرت نظامی چه می‌خواهد؟

یکی از احتمالات این است که چین در حال ساخت نیرویی برای به چالش کشیدن مستقیم ایالات متحده با یک موضع نظامی واقعاً جهانی است. در ماه فوریه، استرالیا طعم توانایی‌های جدید چین را چشید؛ در آن زمان، نیروی دریایی ارتش آزادی‌بخش خلق ناوگانی از کشتی‌های جنگی را برای دورزدن این قاره فرستاد. این اقدام پیامی مبهم برافراش دادنه قدرت نظامی چین بود.

شکی نیست که طی چند دهه گذشته، چین ظرفیت خود را برای استفاده از قدرت نظامی در فواصل طولانی به طور قابل‌توجهی افزایش داده است. چین در حال ساخت ناوگان هواپیماهای ترابری استراتژیک قد‌تمندی بوده که به آن اجازه می‌دهد پرسنل و تجهیزات را سریعاً در سراسر جهان جابه‌جا کند. پکن اخیراً ناوگان سوخت‌رسانی هوایی خود را گسترش داده است. مدت‌هاست که چنین ناوگانی ویژگی کلیدی توانایی ایالات متحده برای نمایش قدرت هوایی در سطح جهانی بوده است. اکنون نیز چین دهه‌های جنگی «آب‌های عمیق» از جمله ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های پشتیبانی برای نگهداری شناورهای فعال در اختیار دارد که برای عملیات در اقیانوس باز طراحی شده‌اند.

فاتح جدید اوراسیا کیست؟



آبراهی که تحت سلطه نیروی دریایی آمریکااست. جریان‌های زمینی انرژی از روسیه و آسیای مرکزی، سبری در برابر اختلالات دریایی فراهم می‌کنند؛ نگرانی محوری در برنامه‌ریزی امنیتی چین. به بیان دیگر، پکن نه‌تنها گاز ارزان، بلکه عمق استراتژیک انرژی به دست می‌آورد.

شراکت نابرابر به جای شراکت استراتژیک

روایت بزرگ مسکو این است که روسیه و چین در حال ساخت نظمی چندقطبی و آزاد از سلطه غرب‌اند. این خط لوله اما عدم توازن زیر پوست این روایت را آشکار می‌کند. روسیه منابع دارد؛ چین بازار، سرمایه و قدرت چانه‌زنی. این نامتقارنی تنها عمیق‌تر خواهد شد. هرچه وابستگی روسیه به تقاضای چین بیشتر شود، باتی ساخت خط لوله، محور انرژی خواهد یافت. این نفوذ ممکن است به امتیازاتی در حوزه‌های دیگر؛ از همکاری فناوریانه تا حضور نظامی در آسیای مرکزی منجر شود. برای همه مسکو را به مدار پکن می‌کشاند. برای مغولستان؛ کشوری که اغلب در حاشیه ژئوپلیتیک اوراسیا قرار دارد نیز قدرت سیبری ۲ تغییردهنده بازی است. میزبانی مسیر ترانزیت به معنای دریافت حق عبور، جذب سرمایه‌گذاری زیرساختی و تقویت موقعیت چانه‌زنی میان دو

صرفاً از نپز دارد. اینکه آیا مغولستان می‌تواند موقعیت ترانزیتی خود را به توسعه واقعی ملی تبدیل کند، به مهارت دیپلماتیک و مدیریت شفاف وابسته خواهد بود. اعضای قدرت سیبری ۲ پیش از یک اعلام پروژه زیرساختی است؛ نشانه‌ای است از اینکه نقشه انرژی جهانی چقدر عمیق تغییر کرده است. اروپا و روسیه که روزگاری در پیوند متقابل بودند، اکنون در مسیرهای واگرا حرکت می‌کنند. چین و روسیه که زمانی با تردید به یکدیگر می‌نگریستند، در آغوشی تنگ‌تر فرو می‌روند؛ هرچند نه به‌عنوان برابر و بازگرای تازه، مغولستان، به‌عنوان یک کردیدر انرژی اوراسیا وارد صحنه می‌شود. برای روسیه، این خط لوله نماد بقااست اما بقایی با شرایطی کاهش یافته. برای چین، معامله‌ای است که هم گاز ارزان و هم امنیت استراتژیک بیشتر به ارمان می‌آورد. برای اروپا، تأییدی است که جدایی انرژی از مسکو نهایی شده است. در تاریخ طولانی خطوط لوله، از معاملات گازی دوران جنگ سرد با اروپای غربی تا پروژه‌های سیبری امروز، جریان مولکول‌ها همواره فراتر از انرژی بوده است. مسأله، قدرت، اهرم فشار و تغییر موازنه نظم جهانی است. قدرت سیبری ۲ نژاستثنا نیست. این خط لوله پایان یک دوره همبستگی انرژی را اعلام می‌کند و آغاز دوره‌ای دیگر را که با نامتقارنی، آسیب‌پذیری و بازآرایی مشخص می‌شود.

بدون روتوش



محمد محسن فایزی

کارشناس فلسطین

تکرار وینگراد

برای نتانیاهو؟

نزدیک یک سال است در داخل اسرائیل بر سر تشکیل کمیسیون تحقیق برای ۷ اکتبر جنجال و حرف و حدیث است. کمیسیونی دولتی که در مواقع و پرونده‌های خاص شکل می‌گیرد و به بررسی موضوعات چالشی و بزرگ می‌پردازد. جنگ ۲۳ روزه، یوم الکیپور ۱۹۷۳ و ترور اسحاق رابین نمونه‌هایی هستند که برای آنها کمیسیون تحقیق شکل گرفته است.

اسرائیلی‌ها بواسطه تجربه‌ای که پس از جنگ ۲۳ روزه و دستاوردهای آن کمیسیون در اصلاح نقاط ضعف و اشتباهاتشان داشتند، اصرار بر تکرار آن برای ۷ اکتبر دارند. کمیسیونی که به بررسی جنگ ۲۳ روزه پرداخت و بواسطه شخصیت اصلی آن یعنی ژنرال وینگراد به همین نام هم مشهور شد، سال ۲۰۰۸ نتایج خود را منتشر کرد و باعث استعفاي اولمرت نخست‌وزیر وقت به همراه وزیر جنگ و رئیس ستاد کل ارتش شد.

اما حالا نبرد سیاسی داخلی و طولانی مدت مخالفان نتانیاهو در ۵ سال اخیر برای کنار زدن او از قدرت، حساسیت‌ها در خصوص کمیسیون تحقیقاتی ۷ اکتبر را دوچندان کرده است.

نتانیاهو در روزهای اخیر اقدامات زیادی برای شکل دهی به کمیسیون مدنظرش و رباهی از اتهام بزرگ مقصر بودن و بزرگ‌ترین شکست امنیتی تاریخ اسرائیل از روی پیشانی خودش انجام داده است. البته این را هم باید اشاره کرد که نتانیاهو بخوبی می‌داند اگر در شکل‌گیری کمیسیون تحقیق ۷ اکتبر بیش از این به بهانه ادامه جنگ تأخیر ایجاد کند، شکل دهی و زمان انتشار گزارش این کمیسیون ممکن است در دولتی غیر از دولت خودش باشد و آنگاه قدرت تأثیرگذاری بسیار اندکی خواهد داشت.

گمانه زنی‌های رخ داده در رسانه‌ها مبنی بر تلاش نتانیاهو بر تشکیل یک کمیسیون متشکل از ۵ عضو دولت و یک ژنرال بازنشسته و بدون عضوی از دیوان عالی موجب شده در دو روز گذشته موضع گیری‌های گسترده‌ای علیه نتانیاهو شاهد باشیم.

لیبرمن که سابقه وزیر جنگ بودن در کابینه نتانیاهو را هم در کارنامه دارد گفته است: «سال‌ها نتانیاهو هشدارها را دریافت کرد و نادیده گرفت. در سال ۲۰۱۶، من شخصاً سندی ۱۱ صفحه‌ای که به‌طور دقیق قصد حماس برای یورش به شهرک‌های غلاف غزه را توصیف می‌کرد ارائه کردم. هیچ انسان شریفی حاضر نخواهد شد به کمیسیون سیاسی بپیوندد که هدفش سفیدشویی این شکست است. ما اطمینان حاصل خواهیم کرد که یک کمیسیون تحقیق دولتی رسمی تشکیل شود که همه آنچه دولت می‌کوشد پنهان کند را برملا سازد.»

با گانتز یکی از مهم‌ترین مخالفان نتانیاهوگفته است: «منهمان، بازجویان خود را منصوب نخواهند کرد. یک کمیسیون تحقیق واقعی درباره بزرگ‌ترین فاجعه در تاریخ اسرائیل برپا خواهد شد! یا در زمان شما، یا پس از شما!» گفتنی است که در مارس ۲۰۲۵، هرتزوگ رئیس جمهوری اسرائیل و آمیت ربیسن دیوان عالی قضایی پیشنهادی ارائه کردند که در صورت موافقت دولت با تشکیل کمیسیون دولتی-قضایی، ترکیب اعضای آن با هماهنگی آمیت و یک قاضی دیگر که نزدیک به نتانیاهو است، صورت گیرد. طرحی که برخی آن را به سود نتانیاهو می‌دانستند اما او در کمتر از یک ساعت آن را رد و باز تأکید کرد که کمیته پس از جنگ و تنها دولتی خواهد بود، نه دولتی-قضایی! باید منتظر بود و دید که این چالش نتانیاهو با کمیسیون تحقیق دولتی که در تاریخ پر از کشتار اسرائیلی‌ها سرنوشت ساز هم بوده‌اند، به کجا خواهد رسید. باید دید نتانیاهو به سرنوشت وینگراد دچار خواهد شد یا می‌تواند نام خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رهبران اسرائیل که بزرگ‌ترین و شدیدترین اقدامات را از تهران تا غزه انجام داده است، ثبت کند؟



چین تمایل

به داشتن

تشکیلات

نظامی-صنعتی

کاملاً بومی را

به روشنی بروز

داده و رهبری

چین علناً از

انگیزه خود برای

ساخت یک

ارتش درجه یک

جهانی تا اواسط

قرن سخن گفته

است